



اولین نشست گروه خاورمیانه و مطالعات اروپا روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۷ با عنوان «اینستکس و بررسی آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا» با سخنرانی دکتر بهزاد احمدی لفورکی مدیر گروه، دکتر حسین مفیدی احمدی پژوهشگر ارشد پژوهشکده، دکتر علی اسمعیلی اردکانی پژوهشگر مسائل اروپا و خانم نرجس امینی کارشناس مسائل اروپا و با حضور برخی پژوهشگران مهمان و اعضای گروه برگزار شد. در ادامه به خلاصه ای از مباحث مطرح شده در جلسه می‌پردازیم:

ماهیت اینستکس:

مکانیزم اینستکس غالباً بشردوستانه است و می‌تواند برای ایران راه‌گشا باشد. و به همین دلیل ما به آن نیاز داریم؛ بالاخص در زمینه دارو، غذا، تجهیزات پزشکی و کشاورزی. در واقع اینستکس نوعی SPV است که برای اولین بار در نوع خودش به صورت دولتی تعریف می‌شود. روند این کار به طور فرآیندی است؛ یعنی باید پیش بروند تا ببینند چه می‌شود و از قبل قابل برنامه ریزی و پیش بینی نیست و روند مشخصی ندارد.

وضعیت کنونی اقتصاد اروپا و ایران:

اروپا در سال ۲۰۱۹ به تبع از سال ۲۰۱۸ دچار مشکلات داخلی (برگزیت، فرانسه، کسری بودجه ایتالیا) و چشم انداز ۲۰۲۰ نیز روشن تر از این دو سال نخواهد بود. وضعیت بازار ایران نیز اگر در شرایط خوبی بود می‌توانست به بازار اروپا در این مسائل کمک کند. از آنجا که صنایع ایران پیشینه اروپایی دارند، پتانسیل زیادی برای اروپا در ایران است و این می‌تواند به اقتصاد ایران نیز کمک کند. در حال حاضر ایران در بخش مواد اولیه دچار مشکل می‌باشد و این برای تولیدی‌ها خطرناک می‌کند که در ادامه ی آن بیکاری می‌آید. مسئله دیگری که شرکت‌های اروپایی با آن مواجه بودند این بود که آنها ایران را به عنوان مرکز فعالیت‌هایشان برگزیده بودند؛ اما به خاطر این اتفاقات اخیر مجبور شدند از ایران به کشورهای همسایه انتقال دهند. این جریان نیز وضعیت اشتغال ایران را با بحران روبه رو کرد. مسئله دیگر این که ایران سابقاً تامین کننده مواد اولیه اروپا بود اما طی سالهای اخیر سهم خود را در بازار اروپا از دست داد و از دست دادن بازار به راحتی قابل بازگشت نیست. در نتیجه این که بر اساس اینکه تصمیم گیران ایران چه نقشی به اینستکس در آینده روابط ایران و اروپا بدهند، مسیر ما به سوی معضله‌های فزاینده سیاسی و امنیتی یا تبدیل اینستکس از روزنه به پنجره قابل تغییر خواهد بود.

گزاره‌های تأثیرگذار بر روابط ایران و اروپا:

۱. میزان موفقیت اروپا در حفظ انسجام هویت اروپایی، زیرا این انسجام می‌تواند استقلال اروپا را از دستورکارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا نشان دهد.
۲. میزان موفقیت ایران در پیوند دغدغه‌های امنیتی اروپا با دغدغه‌های امنیتی ایران؛ به خصوص در مسائل مربوط با تروریسم، مهاجرت و آوارگی، قاچاق مواد مخدر و منازعات منطقه‌ای مانند یمن، سوریه و عراق.

۳. موفقیت کارگزاران ایرانی در ارزیابی مؤلفه‌های دقیق از قدرت خود؛ زیرا این امر راهبردهای ایران را منسجم‌تر می‌کند.
۴. میزان موفقیت اروپا در پیش برد گفت و گوهای چندجانبه اش با چین و سایر قدرت‌های نوظهور درباره نحوه روبه‌رو شدن و مهار یکجانبه‌گرایی سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا.

اینستکس از منظر اقتصاد:

در سال ۲۰۱۵ و پس از امضای برجام قرار بود روابط ایران و اروپا به حالت عادی برگردد؛ اما بعد نشانه‌هایی رخ داد که این عادی سازی روابط انجام نشده است. یکی از آن نشانه‌ها این بود که بانک‌های اصلی اروپا حاضر به برقراری ارتباط تجاری با ایران نشدند و بانک‌های کوچک اروپای شرقی این کار را بر عهده گرفتند. دیگر اینکه زمانی که درها کاملاً باز بود و محدودیتی برای تجارت وجود نداشت، کوتاهی از ایران بود که پایه تجارت با اروپا را بر دولت متمرکز کرد؛ پس سرمایه گذاری اروپا در بخش خصوصی وارد نشد و بعد از خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های اروپایی بازار آمریکا را به بازار ایران ترجیح دادند.

دلایل اروپا برای برقراری اینستکس (اهمیت اینستکس برای اروپا):

- امنیتی: ۱. ایران به فضای ابهام هسته ای برگردد و غنی سازی را شروع نکند. ۲. میزانی از ارتباط با ایران حفظ شود تا شاید فعالیت‌های منطقه و توسعه موشکی ایران تحت کنترل قرار بگیرد. ۳. پیوست شفاف سازی مالی برای ایران به همراه داشته باشد.
- سیاسی: ۱. اینستکس پیام واضح سیاسی به آمریکا بود که اروپا تا حدی از استقلال امنیتی، راهبردی و اقتصادی برخوردار است. البته اینستکس آنچنان پیام قدرتمندی نبود چرا که در ادامه آمریکا اظهار داشت که با توصیفی که اروپا از اینستکس می‌کند آمریکا درباره شفاف بودن فعالیت‌های مالی ایران مطمئن می‌شود و رصد می‌کند که این مبادلات تجاری ایران در مسیر خود حرکت می‌کند؛ در صورتی که از این مسیر خارج شود کشورهای اروپایی تنبیه خواهند شد. ۲. پیام روشن به ایران در این باره که اروپا توانایی حفظ برجام را دارد. ۳. پیامی بین‌المللی که اروپا توانایی حفاظت از تعهدات بین‌المللی اش را داراست.
- اقتصادی: این وجه از سایر مؤلفه‌ها به نظر کم‌رنگ‌تر می‌آید. ۱. ایجاد فضای مناسبی برای شرکت‌های کوچک و متوسط اروپایی ۲. در صورت تغییر شرایط سیاسی درباره ایران، اروپا فضای بازگشت به بازار ۸۰ میلیونی ایران را داشته باشد.

پیش شرط‌های اجرایی اینستکس:

۱. رعایت حد اعلای استانداردهای مبارزه با پولشویی.
۲. رعایت حد اعلای استانداردهای مبارزه با تامین مالی تروریسم.
۳. رعایت نظام تحریمی اروپا (هسته ای و غیرهسته ای)
۴. تداوم دقیق برجام از سوی ایران.

محدودیت‌های اینستکس:

• چهار قانون وجود دارد که از طریق آن آمریکا فشار اصلی اش را بر اینستکس وارد می‌کند:

۱. قانون کاهش تهدیدات سال ۲۰۱۲: طبق این قانون درآمد نفتی ایرانی نمی‌تواند در موسسات اقتصادی بین‌المللی هزینه شود و حتی به ایران بازگردد.
 ۲. قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی سال ۱۹۷۷: تمام دارایی ایران حتی بانک مرکزی می‌تواند مسدود شود.
 ۳. لایحه جامع تحریم‌ها: طبق این قانون راه‌های محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران قبلاً تشریح شده‌است.
 ۴. قانون کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا: طبق این قانون تمام شرکت‌های اروپایی فعال در آمریکا موظف به دادن گزارش سالانه درباره نحوه ارتباطشان با کشوری مثل ایران هستند.
- بی میلی شرکت‌های اروپایی به تجارت با ایران حتی قبل از اینستکس.
 - خوب نبودن حال اروپای منسجم و یکپارچه.
 - کارکشتگی و سرعت آمریکایی‌ها در اقدام علیه ایران در مقابل کندی اقدامات اروپاییان.
 - انفعال چین و روسیه در مقابل یکجانبه‌گرایی آمریکا.
 - رخدادهای خاورمیانه که می‌تواند مسیر توافقات و تعهدات را دگرگون کند.

ابهامات و ضعف‌های SPV:

- سیاسی-امنیتی.
- اقتصادی: اینستکس به بحث‌های بشردوستانه محدود شده است که انتظارات ایران را برآورده نمی‌کند.
- حقوقی: اینستکس الزام حقوقی برای اروپا ایجاد نمی‌کند؛ یعنی از جانب اروپا کاملاً داوطلبانه است اما با توجه به پیش شرط‌های مذکور دارای الزامات حقوقی محکمی برای ایران می‌باشد. و دیگر اینکه تکلیف خود را با تحریم‌های ثانویه آمریکا مشخص نمی‌کند که این مسئله برای ایران حائز اهمیت است.
- فنی- اجرایی: اینستکس فاقد بحث‌های جزییات عملیات می‌باشد و مسئله دولت ایران، به نوعی راضی کردن بانک‌ها و شرکت‌های اروپایی برای همکاری تعریف می‌شود.

آینده اینستکس و روابط ایران و اتحادیه اروپا:

۱. **دوگانه ثبات پایدار یا لیبرال دموکراسی:** اروپا بین دو ساحت بازیگر هنجاری بودن یا واقع‌گرا بودن در نوسان بوده است. با این حال به نظر می‌رسد طی چند سال اخیر در مواجهه با کشورهای غرب آسیا، رفتار اروپا به سمت واقع‌گرایی و ثبات‌گرایی تمایل بیشتری دارد. در نتیجه فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در دستور کار اروپا قرار بگیرد.
۲. **دوگانه برون‌گذاری کامل ایران در ترتیبات منطقه‌ای با پذیرش سطح فعلی کنش‌گری منطقه‌ای آن:** باید پذیرفت که سطح فعلی کنش‌گری ایران مورد پذیرش اروپا واقع نخواهد شد. با این حال اروپا تلاش می‌کند ضمن

این که دغدغه‌های امنیتی ایران را درک می‌کند، رویکردی گام به گام و تدریجی را برای تغییر سیاست منطقه‌ای ایران در پیش بگیرد. اروپا از نیاز ایران به خودش آگاهی دارد و همین می‌تواند در جهت تغییر دادن تدریجی سیاست منطقه‌ای ایران مفید واقع شود. در نتیجه رویکرد اروپایی‌ها نسبت به کنش‌گری منطقه‌ای ایران در مقایسه با آمریکا به مراتب درون‌گذارتر و پذیراتر است.

۳. **دوگانه مواجهه با ایران در قالب سیاست آتلانتیکی یا سیاست صرفا اروپایی:** با اینکه بعد از انتخاب آقای ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، رفتارهای اروپا بیشتر اروپایی بوده است تا آتلانتیکی؛ اما باید در نظر داشت که طی یک سال اخیر اروپا علاوه بر اینکه در جهت یافتن پل‌های ارتباطی و زمینه‌های مشترک با آمریکا تلاش کرده، بلکه بسیاری از این زمینه‌ها نیز بدون تلاش اروپایی‌ها از قبل وجود داشته است. پس حفظ نگاهی از سیاست آتلانتیکی ایران علاوه بر موارد قبل نشان دهنده این می‌باشد که اروپاییان گام به گام در حال نزدیک شدن به زمینه مشترک آتلانتیکی در مواجهه با پدیده‌های ایران هستند.

۴. **مواجهه با ایران در قالب سیاست Engagement یا تحدید:** برجام اصولا بر پایه سیاست Engagement مورد مذاکره قرار گرفت. یعنی هرچه ایران بیشتر درگیر مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه می‌شود رفتار عادی‌تری از خود بروز می‌دهد. این ایده در زمان برجام مطرح شد اما به نظر می‌رسد طی سال‌های اخیر در آن دچار تردید شدند. البته این تردید به معنای تمایل به قطع ارتباط اروپا با ایران نیست و تمایل دارد سطحی از ارتباط را با ایران حفظ کند. چرا که تصور می‌کنند با قطع ارتباط با ایران به مثابه کشوری غیر قابل پیش‌بینی وارد یک تونل تاریک می‌شوند که انتهای آن مشخص نیست.

۵. **سطوح عمیق‌تر تنش بین ایران و آمریکا:** به نسبت افزایش تنش بین ایران و آمریکا، احتمالا همراهی اروپا با ایران کاسته خواهد شد.

۶. **نظم قاعده محور در حال جایگزینی با نظم جدید با نگاه به وضعیت کنونی به عنوان عارضه زودگذر:** با توجه به کلیدواژه‌هایی که اندیشکده‌های اروپایی دنبال می‌کنند به نظر می‌رسد بخش اول در حال برجسته‌تر شدن است. در صورتی که قبلا این نظریه با این غلظت مطرح نبود و دچار تردید و عدم قطعیت بیشتری نسبت به الان بودند. در نتیجه طرف اروپایی به سمت محتاط‌تر شدن پیش می‌روند.

۷. **روایت از ایران به عنوان بازیگر امنیت زدا یا امنیت ساز:** تصویر از ایران این است که این بازیگر در سطح جهانی تهدیدزاست.

ارزیابی:

در یک جمله می‌توان گفت اینستکس تحولی عظیم به ضرر ایران است که موضوع ایران را در اتحادیه اروپا به سمت یکپارچه سازی پیش می‌برد. یعنی بحث‌های مربوط برجام و بشردوستانه و سایر مباحث دیگر جدا از هم بررسی نمی‌شوند و انجام یکی در حال حاضر منوط به رعایت دیگری است. دیگر آنکه اینستکس از تجارت بین‌الملل ایران کنش زدایی می‌کند. و همچنین باعث می‌شود که علی‌رغم اینکه اروپاییان به برجام عمل نکردند اما در موضوع اینستکس در وضعیت روانی بهتری قرار گیرند. و در صورت تداوم وضعیت کنونی فشارها علیه ایران بیشتر خواهد شد. و مادامی که روابط ایران و آمریکا در سطح تنش‌زا پیش می‌رود، کنش اروپایی تبدیل به واکنش می‌شود.

نتیجه‌گیری:

انتظار این که اروپا به سطوح عمیق‌تری اینستکس به صورت خاص یا سطوح عمیق‌تر تعامل با ایران به صورت عام وارد شود به نظر واقع بینانه نمی‌آید. با این حال به چهار شرط این سطوح عام و خاص ظرفیت این را دارد که به نفع منافع ایران استفاده شود:

۱. رهاشدن از زنجیر دوگانه مقاومت تسلیم (به نقل قول از دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی در دوازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی) و ارائه سازوکارهای امنیت ساز و توسعه آفرین در چهارچوب منافع جمهوری اسلامی ایران.

۲. احتراز از تبدیل شدن به بازیگری که در سطح جهانی تهدید فرض می‌شود.

۳. درک تحولات نظام بین‌الملل.

۴. استفاده از ظرفیت‌های دانایی کشور برای تعمیق اینستکس و روابط با دنیا به نحو شایسته.

انتظار ما از اروپا نباید به توانمندی اروپا وابسته باشد؛ بلکه بهره‌مندی ما از اروپا نیز باید مدنظر قرار گیرد. وقتی صحبت از توانمندی اروپا می‌کنیم منظورمان این است که اروپا توانمندی کمی در برآورده کردن انتظارات ایران دارد. اما آیا بهره‌مندی ما محدود به توانمندی اروپاست؟ خیر. ما می‌توانیم به خصوص در حوزه سیاسی، حقوقی و امنیتی از اروپا بهره‌مند شویم حتی اگر فکر کنیم که اروپا توانمندی لازم را ندارد. اینستکس می‌تواند به نهاد دوران ساز شود. یعنی وقتی پیدایش اش قطعی می‌شود می‌تواند تغییرات عظیم ایجاد کند. مثلاً این نهاد گامی در جهت به چالش کشیدن هژمونی دلار در عرصه بین‌المللی است. پس با اینکه ما با اروپا مسائل متعددی داریم اما بهره‌مندی ما از اروپا به توانمندی آن صرفاً وابسته نیست. ناگفته نماند که علی‌رغم تمام محدودیت‌هایی که برای اینستکس ذکر شد، ما راهی به جز تبدیل این روزنه به پنجره نداریم. یکی از راه‌های پیشنهادی برای تبدیل این روزنه به پنجره، درگیر کردن بخش‌های خصوصی اقتصاد ایران به خصوص با بخش‌های بین‌المللی آن، برای طرح ایده‌هایی که بتواند در مذاکره با اروپایی‌ها مورد استفاده قرار گیرد، می‌باشد.

گزارش: سیده سارا فاطمیان (دبیر گروه خاورمیانه و مطالعات اروپا)